خبر

«شهباز» به ایستگاه پایانی رسید

تصویربرداری سریال تلویزیونی «شهباز» به کارگردانی حمیدرضا لوافی و تهیه‌کنندگی امیرحسین آشتیانی‌پور و مهدی علینقی‌پور به پایان رسید.این سریال به نویسندگی مینا خدیوی در ژانر پلیسی معمایی با موضوع فضای مجازی و پلیس سایبری در ۳۰قسمت ۴۲ دقیقه‌ای تهیه و تولید شده است.این مجموعه تلویزیونی درباره یک گروه سایبری است که به‌دنبال هکری بین‌المللی هستند. پلیس سایبری با اشراف به این فضا با مجرمان برخورد می‌کند و به داستان مردمی هم که از آنها سوءاستفاده شده و مورد طمعه افراد خلافکار قرار گرفته‌اند، می‌پردازد.

در خلاصه داستان سریال شهباز آمده است: شهباز دو سال در انتظار چنین روزی نشسته است، روزی که همه قرار است با پیدا کردن ارغوان، نفسی به‌راحتی بکشند. غافل از این که این بازی چرخشی دیگر در پیش دارد... در مجموعه تلویزیونی شهباز هنرمندانی نظیر: آرش مجیدی، علیرضا آرا، رضا داوودنژاد، میلاد میرزایی، مهدخت مولایی، نیما نادری، فاطیما بهارمست، غزال نظر، سیروس همتی و... نقش‌آفرینی می‌کنند.تصویربرداری شهباز از بهمن سال گذشته شروع و اوایل آذرماه به اتمام رسید و به‌دلیل محتوای سایبری از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای زیادی برخوردار است و اکنون در مرحله امور فنی پس از تولید قرار دارد.

در گفت‌وگوی «جام جم» با احمد شفیعی، تهیه‌کننده مستند بررسی شد

روایت جدایی بحرین از ایران

سپیده اشرفی
گروه رسانه

۵۲ سال پیش در اردیبهشت ۱۳۴۹ بود که بحرین به‌صورت رسمی از ایران جدا شد. این مسأله که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، ترکیبی از دخالت سازمان‌های بین‌المللی و نفوذی‌های داخلی بود، در دوره پهلوی دوم اتفاق افتاد. مستند «داستان یک جدایی» روایتگر جدایی بحرین از ایران در دوره پهلوی دوم است. این مستند که شب گذشته از شبکه یک روی آنتن رفت، به سفارش سازمان هنری .رسانه‌ای اوج تهیه شده و تلاش کرده روایتی دست‌اول از یک اتفاق را به‌صورت مستند ارائه کند. این مستند در دو نسخه تهیه شده است: یک سینمایی بلند که حدود ۸۰ دقیقه است و از شبکه یک پخش شده و یک نسخه دیگر به‌صورت دو قسمت تلویزیونی است که به شکل گسترده‌تری موضوع را تحلیل می‌کند. به همین بهانه با احمد شفیعی، تهیه‌کننده و کارگردان این مستند گفت‌وگو کردیم.

احمد شفیعی، تهیه‌کننده و کارگردان مستند داستان یک جدایی درخصوص دلیل ساخت این مستند به جام جم می‌گوید: دغدغه اصلی ما پژوهشی درخصوص حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه و خلیج‌فارس بود و کار اصلی مستند از همان جا آغاز شد. بعد از پژوهش‌های بیشتری که در این رابطه صورت‌گرفت، موضوع بحرین برای‌مان جالب شد. مسیری که طی شد تا بحرین از ایران جدا شود، یک شیطنت جدی بود که از یک طرف مربوط به مداخله هدفمند و طراحی‌شده سازمان‌های بین‌المللی و از طرف دیگر هم، حرکت رسانه‌ای از طریق نفوذی‌ها بود.

وی عنوان می‌کند: این موضوع برای‌مان جالب شد و در ارتباطی که با سیاستمداران وقت گرفتیم - مثل اردشیر زاهدی - متوجه شدیم که خودشان هم به سیاست خارجی پهلوی دوم نقد داشته‌اند. این موضوع را دنبال کردیم تا جنبه‌های مختلف آن را بررسی کنیم. تلاش شده در این مستند روایتی روان و قصه جذاب شکل بگیرد تا از بازه زمانی خروج انگلیس از منطقه شروع و به اعلام استقلال بحرین ختم شود.

۱۰ سال زمان برای ساخت مستند

ساخت این مستند حدود ۱۰ سال زمان برده است. شفیعی درخصوص روال ساخت مستند تصریح می‌کند: این مستند، تاریخی - پژوهشی است و همزمان با مطالعات کتابخانه‌ای و مکتوب به خیلی از سیاستمداران و اساتید مراجعه کردیم تا بتوانیم صحبت آنها را داشته باشیم. همزمان با جمع‌آوری اسناد مکتوب، مصاحبه‌هایی در حوزه تاریخ شفاهی انجام دادیم و به مرور، لایه‌های جدید و جالبی از موضوع برای‌مان باز می‌شد و افراد دیگری را در این حوزه پیدا می‌کردیم که می‌توانستند در تکمیل روایت به ما کمک کنند. به همین دلیل پروسه ساخت مستند به لحاظ پیداکردن افراد شاخص، جلب نظرشان برای همکاری و صحبت درباره مستند و جمع‌آوری اسناد و آرشیو زمان زیادی برد.

شفیعی تاکید می‌کند: درمجموع این مصاحبه‌ها هم تلاش شد تا وقتی سراغ افراد می‌رویم، با دست بازتری مصاحبه کنیم. یعنی مسائلی مثل خلیج‌فارس، ادعاهای طرف مخالف، مسأله جزایر و دیگر موضوعات را مطرح می‌کردیم. تلاش‌مان این بود که به‌دلیل بالا بودن سن بسیاری از این افراد، مصاحبه به شکل تاریخ شفاهی باشد و بتوانیم در دیگر مستندها هم از محتوای این مصاحبه‌ها استفاده کنیم. به همین دلیل تدوین کار زمان زیادی از ما گرفت تا بتوانیم روایت منسجمی از کار داشته باشیم. درعین حال، گاهی آرشیوهایی را پیدا می‌کردیم که جهت روایت و موضوع را به‌کلی تغییر می‌داد و ناچار بودیم تدوین را اصلاح کنیم. این کار سه تدوینگر عوض کرد و به‌دلیل حجم زیاد اطلاعات، کار ساده‌ای نبود اما دوست داشتیم سادگی و جذابیت را در خروجی نهایی حفظ کنیم. همه اینها باعث شد تا زمان زیادی برای تدوین کار طی شود.

مصاحبه با مسئولان وقت پهلوی

تهیه‌کننده مستند داستان یک جدایی درباره چهره‌هایی که این مستند سراغ‌شان رفته، این‌طور بیان می‌کند: این نکته را باید بگویم همه مصاحبه‌هایی که انجام دادیم لزوما در مستند نیست چون به موضوعاتی فراتر از مستند پرداختیم اما از جمله کسانی که با آنها درباره بحرین صحبت کردیم، اردشیر زاهدی بود که در سوئیس با او مصاحبه کردیم. فرد دیگر، دکتر فریدون زندفر بود که در زمان پهلوی دوم، ریاست اداره نهم سیاسی را برعهده داشت و سفیر ایران در عراق بود. با هوشنگ طالع صحبت کردیم که از آخرین اعضای حزب پان‌ایرانیست بود و زمانی که گزارش دولت در مجلس خوانده می‌شود، عضو مجلس بود و با مسأله جدا شدن بحرین از ایران هم مخالفت کرد. با رضا قاسمی، سفیر وقت ایران در کویت هم صحبت کردیم. با سرریچارد دالتون، سفیر سابق انگلیس در ایران هم مصاحبه داشتیم.

وی ادامه می‌دهد: کار دیگری که برای مستندشدن برنامه انجام دادیم، قراردادن صدای دنیس رایت، سفیر وقت انگلیس در ایران بود. صدای آنتونی پارسونز - آخرین سفیر انگلیس در ایران - را هم این اواخر توانستیم پیدا کنیم و به‌دلیل مستندهایی که ارائه می‌کند، روال کار قدری تغییر کرد. یعنی ناچار شدیم تدوین را قدری تغییر دهیم.

زاویه

در دسترس نبودن آرشیو

شفیعی درخصوص چالش‌های تهیه مستند و پیداکردن فایل‌های مربوط برای مستندسازی روایت می‌گوید: برخی از این فایل‌ها در آرشیو ملی بریتانیا بود و با کلیدواژه‌های دقیق توانستیم به آن برسیم. عمده چالش ساخت چنین مستندی، استمرار فعالیت و علاقه و انگیزه بود که باید از میان فایل‌ها به مطالب مفید می‌رسیدیم. البته برای بسیاری از مصاحبه‌شوندگان جالب بود که تیم ما نسبت به این موضوع اشراف کامل دارد. گاهی بین صحبت افرادی که مقابل دوربین قرار می‌گرفتند، اختلاف‌ها و فکت‌هایی را پیدا می‌کردیم که صحبت از این موارد، موضوع را باز می‌کرد. مشکل اصلی ما، در دسترس نبودن آرشیو و اسناد بود که در بسیاری موارد، کلیدواژه درستی برایش تعریف نشده بود تا بتوان به آن رسید. به همین دلیل برخی از این اسناد را از آرشیو شخصی افراد پیدا کردیم که پیداکردن اسناد و ایجاد ارتباط میان آنها، پروسه سختی برای ما بود.

وی تاکید می‌کند: البته از ابتدای ساخت مستند، ابعاد موضوع این‌قدر برای‌مان روشن و گسترده نبود. هرچقدر جلو می‌رفتیم با اساتید گمنامی آشنا می‌شدیم که بسیاری‌شان جلوی دوربین نیامدند اما از اطلاعات‌شان در مستند بهره بردیم. مستند روایت یک جدایی، چند ماهی است که آماده شده اما روایتی که از تجربه تاریخی تجزیه‌طلبی ارائه می‌کند، باعث می‌شود انسجام فعلی کشور را قدر بدانیم.

یادداشت

نقش برنامه «بوستان گفت‌وگو» در گسترش فرهنگ در جامعه

دکتر محمدحسن یعقوبیان
عضو هیات علمی دانشگاه عالی مطهری

مؤلفه گفت‌وگو یک فضیلت شهروندی و یکی از مؤلفه‌های برجسته نگاه‌های تطبیقی و میان‌فرهنگی به‌ویژه در فضای تنوع‌نگر جهان معاصر است. چه این‌که رویکرد گفت‌وگویی با نفی اروپامحوری و تئوری مرکز-پیرامون غربی و همچنین شرق‌شناسی وارونه، خود را به سطح گفتمان معرفتی در مقیاس جهانی کشانده است.در این فرآیند، حوزه‌های معرفتی مختلف منتشر شده و مدل‌هایی از گفت‌وگوی سقراطی، هابرماسی، بوبری، میان ـ فرهنگی و منطق گفت‌وگویی باختینی را برجسته کرده است.توجه جامعه علمی و عرف خواص، نیاز بدنه اجتماع و فرهنگ عامه مردم به مهارت‌های ارتباطی و گفت‌وگو، بر اهمیت فرهنگی این موضوع افزوده است، در واقع علاوه بر نیاز فردی انسان به گفت‌وگوی درونی و تعیین تکلیف با خودش، هویت ارتباطی او در نسبت با دیگری، نیاز به کسب مهارت گفت‌وگو در سطح روابط بین‌فردی خانواده و جامعه شبکه‌ای در فضای حقیقی و به‌ویژه اخلاق و بهداشت، گفت‌وگو در فضای مجازی را طلب می‌کند.

لزوم توجه به تنوع و توازن فرهنگی در درون کشور و حفظ و تداوم ارتباطات میان‌فرهنگی این چهار راه تمدن، بیش از پیش، اهمیت این مؤلفه و بسترسازی لازم برای تحقق آن را برجسته کرده است. بدیهی است ابزار رسانه در این فرهنگ‌سازی و به‌ویژه رسالت جریان‌سازانه «رادیو گفت‌وگو» در گسترش فرهنگ گفت‌وگو و کاهش فقر گفت‌وگو و تک‌گویی، به سهم خویش در این حرکت فرهنگی ـ اجتماعی و برطرف‌کننده این نیاز معرفتی ـ فرهنگی در کشور، راهگشاست. از این رو، برنامه بوستان گفت‌وگو درصدد بود تا با گفت‌وگوهایی پیرامون خود گفت‌وگو، هم به شکل عملی در گفت‌وگو با اصحاب علم و هم به شکل نظری، ابعاد و زوایای تخصصی گفت‌وگو در حوزه‌های معرفتی را گرچه در رادیو و با صدا، به تصویر بکشد. به لحاظ محتوایی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شد که بحث گفت‌وگو از مسائل فلسفه برای کودکان تا ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بزرگسالان با رویکردهای فلسفی، عرفانی، فقهی و الهیاتی و حوزه رسانه تا رسیدن به مقیاس جهانی و ارتباطات میان فرهنگی، مدنظر قرار گیرد و البته در این راه از افراد صاحب‌نظری استفاده شد که هم در حوزه معرفتی مربوط متخصص باشند و هم به لحاظ تجربه عملی و زیسته، جزو گفت‌وگوگران صحنه بین‌المللی به حساب بیایند و مواجهه با دیگری‌های دینی و فرهنگی یا کارهای اجرایی، اتاق‌های گفت‌وگو و کانون‌های مربوط را در کارنامه و کوله‌بار خود، داشته باشند. این گفت‌وگوها معطوف به دو فضای حقیقی و مجازی و ناظر به دو سطح افقی و عمودی و بین انسان-خود، انسان-انسان و انسان-خدا بود؛ تا ضمن آسیب‌شناسی از فقر گفت‌وگو و همچنین زیاده‌گویی، فضیلت مدرن گفت‌وگو را با ارزش صمت و سکوت سنت، جمع کند. گرچه همچنان راه‌های نرفته‌ای در دعوت از متفکران بیشتر و متنوع‌تر و بررسی ابعاد دیگری از گفت‌وگو در ادبیات، علوم سیاسی، انسان‌شناسی فرهنگی و... نیز وجود دارد که امیدواریم در آینده محقق شود اما در گام بعدی، تلاش بر این است که این مجموعه گفت‌وگوها از بیان و گفتار به بَنان و نوشتار نیز مزین شوند و از بوستان شفاهی گفت‌وگو به دامن گلستان کتاب، آرام گرفته و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

گزارش

نگاهی به برنامه مستند «پرونده‌های پنهان»

آل خلیفه و لاف‌زنی در باب تعهد به دموکراسی

جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر شاهد آن بوده که حکومت بحرین مدام از اراده خود برای ارتقا و گسترش آزادی و دموکراسی سخن می‌گوید اما بسیاری از فعالان حقوق‌بشر در بحرین کنونی یا به قتل می‌رسند یا به زندان می‌افتند و البته از حقوق شهروندی نیز به طور کامل محروم می‌شوند. مسائلی که همه و همه موجب شده‌اند این باور تقویت شود که حکومت بحرین اساسا فقط درباره دموکراسی و تعهد خود به آن لاف می‌زند. این موضوع درست همان چیزی است که مستند «پرونده‌های پنهان» به آن می‌پردازد. این مستند که از شبکه پرس‌تی‌وی پخش شد، به وضعیت نامطلوب حقوق بشر و دموکراسی در بحرین پرداخته است.

در ابتدای برنامه پرونده‌های پنهان شبکه پرس‌تی‌وی، مرضیه هاشمی، مجری برنامه به طرح این سؤال پرداخت که چه حسی به شما دست می‌دهد وقتی در کشوری زندگی کنید که در آن از اکثریت قومی و مذهبی برخوردارید، ولی هیچ راهی برای شما جهت تصدی مناصب و مقام‌های سیاسی وجود نداشته‌باشد و کوچک‌ترین انتقاد شما نیز با سرکوب شدید و سنگین پاسخ داده شود؟ چه حسی خواهید داشت اگر جزو نخبگان دانشگاهی باشید اما مجاز به ایفای نقش موثر در جامعه خود نباشید و اگر بخواهید به این مسأله واکنش نشان دهید نیز با خطر زندان، محرومیت از حقوق شهروندی و حتی قتل رو به رو خواهید شد؟ وی در ادامه به طور خاص به این نکته اشاره کرد که این وضعیت کنونی کشور بحرین است؛ کشوری که اکنون عملا در حال به‌سخره گرفتن مفهوم دموکراسی و آزادی است. برگزاری انتخابات پارلمانی اخیر در این کشور نیز به نمودی عینی از این مسأله تبدیل شده‌است.

در این خصوص، ابراهیم العرادی، پزشک بحرینی مهمان قسمت جدید این برنامه بود. او در بحبوحه اعتراضات مردمی به خاندان آل‌خلیفه، به درمان بسیاری از مردم کشورش اقدام کرده و سال ۲۰۱۱ مجبور به ترک این کشور شده‌است. وی سابقه کار در اروپا و لبنان را دارد و البته اکنون ساکن انگلستان است و در عین حال، رئیس دفتر سیاسی ائتلاف ۱۴فوریه بحرین نیز هست.

ابراهیم العرادی در ادامه تاکید کرد که رژیم آل‌خلیفه طرح‌های دور و درازی برای تغییر دادن چارچوب‌ها و ساختار جمعیتی بحرین دارد. وی در ادامه تصریح کرد عمده روش‌های رژیم آل‌خلیفه در داخل این کشور، ضد شیعیان هستند. با این حال واقعیت این است که هم شیعیان و هم اهل تسنن بحرین، به مخرب بودن حضور آل‌خلیفه در عرصه قدرت سیاسی کشورشان پی برده‌اند و نسبت به این موضوع تاکید دارند. شاید یکی از عینی‌ترین نمودهای خیانت حکومت بحرین به مسلمانان فارغ از شیعه یا سنی بودن‌شان، اقدام این دولت در عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی باشد؛ اقدامی که به هیچ عنوان با رضایت مردم بحرین همراه نبوده‌است.

وی در ادامه افزود: رژیم آل‌خلیفه مدام ریشه تمام مشکلات این کشور را به ایران ربط می‌دهد. این درحالی است که واقعیت امر این است که مردم بحرین از فساد رژیم بحرین و به طور خاص خاندان سلطنتی این کشور به ستوه آمده‌اند و این موضوع هیچ ارتباطی به ایران ندارد.

ابراهیم العرادی درباره انتخابات پارلمانی اخیر بحرین نیز گفت که رژیم آل‌خلیفه این انتخابات را صرفا با انگیزه‌های تبلیغاتی برگزار کرده‌است و می‌خواهد خود را دموکراتیک نشان دهد. العرادی در ادامه گفت‌وگوی خود با مرضیه هاشمی در پرس‌تی‌وی، در باره سلب حق شهروندی و تابعیت خود توسط حکومت آل‌خلیفه گفت: من صرفا به جرم انتقاد از شیوه‌های نادرست و ظالمانه حکومت آل‌خلیفه و کمک به مردم کشورم از سوی این حکومت سلب تابعیت شده‌ام؛ موضوعی که خودم آن را از طریق رسانه‌های بین‌المللی شنیدم. در این نقطه باید بگویم حکومت آل‌خلیفه اساسا نماینده مردم بحرین نیست. نسل اندر نسل من در بحرین زندگی کرده‌اند و اکنون بحرینی بودن ما با حکم حکومت آل‌خلیفه نابود نمی‌شود.

آنتن

مهارت و یادگیری در «صبح صبا»

برنامه زنده «صبح صبا» هر روز صبح در قالب یک مجله رادیویی شنوندگان را در جریان اخبار روز قرار می‌دهد و در کنار، آن به موضوعات اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌پردازد.

این برنامه، امروز هشتم آذر با هدف توجه به اهمیت یادگیری در زندگی به موضوع مهارت‌داشتن و آموزش می‌پردازد.

یکی از بهترین مواردی که به زندگی معنی می‌بخشد این است که هرگز از یادگیری دست نکشیم. همیشه مهارت‌ها و تکنیک‌های جدیدی برای یادگیری و پذیرش وجود دارد. شاید در گذشته نیازی به یادگیری روزانه نبود، ولی دنیای امروز در هر زمینه و هر علمی نیاز به مطالعه، تحقیق و توسعه روزافزون دارد و اهمیت یادگیری مطالب جدید به روشنی مشخص شده است. صبح صبا با نگاهی طنز این موضوع را برای مخاطبان این‌گونه مطرح می‌کند که «چه هنری را می‌توانی به بقیه بیاموزی؟» مخاطبان می‌توانند با ارسال پیامک به سامانه ۳۰۰۰۰۱۰۵۵ یا تماس با شماره ۲۲۶۵۳۴۴۳ با این برنامه در تعامل باشند و از هنر و مهارت‌های خود برای صبح صبا بگویند. برنامه صبح صبا به تهیه‌کنندگی امیر اکبری و اجرای مهبد قناعت‌پیشه راهی آنتن می‌شود.

زادروز

تولد یک غزاله

امروز تولد غزاله نظر است. بازیگری که با ایفای نقش رها در سریال «احضار» بعد از دو سال، بار دیگر در یک سریال تلویزیونی ایفای نقش کرد. این بازیگر ۳۵ ساله فارغ‌التحصیل لیسانس رشته حقوق است که فعالیت خود را با تئاتر شروع کرد. سپس وارد تلویزیون شد و در سریال «ملکاوان» ایفای نقش کرد. او سال ۸۵ در تله‌فیلم «تنگنا» در کنار شهاب حسینی و نیما رئیسی ایفای نقش کرد و مورد توجه قرار گرفت. اما عمده فعالیتش در تئاتر و سینما بود و در فیلم‌های بی‌پولی، یک آرایش ساده، قطع فوری و آینه شیطان بازی کرده است.

سریال «احضار» به کارگردانی علیرضا افخمی در ژانر درام و ماورایی بود که در ماه رمضان سال گذشته روی آنتن رفت. غزاله نظر در این سریال با چالش نقش اعتیاد روبه‌رو بود و توانست توانایی‌اش را در قالب این نقش به تصویر کشیده و خودش را نیز محک بزند. او در کنار آرش مجیدی در این سریال بازی کرد و توانست تجربه بازی در یک سریال ماورایی را با «احضار» کسب کند. او این روزها در سریال «شهباز» نیز حضور دارد.

خاطرات کاغذی

موش کوهستان

مریم فلاح: ماجراهای یک موش خرمای کوهی آمریکایی (موشی-موش قرمز) و دوستش (میشی- موش زرد) در جنگلی سر سبز که در کنار سایرحیوانات برای بقا تلاش می‌کنند و با ماجراهای مختلفی مواجه می‌شوند. داستان باجدا شدن موشی از پدرومادرش و ورودش به جنگل شروع می‌شد.هرکدام ازحیوانات برای خودشان ماجرایی داشتند.دارکوبی بود به نام «کاکلی» که خبررسان و بهتر است بگوییم خبرچین جنگل بود.

«قرمزی» روباهی بود که با مادربزرگش زندگی می‌کرد. جلیقه ای به تن وشالگردنی به دور گردن داشت، اومتمایز از همه ی روباه‌های دنیای انیمیشن بود. بیشتر ازاینکه حیله و تدبیر داشته باشد،خنگ و کند ذهن بود! این قدر که مادر بزرگ از داشتن چنین نوه ای شرمنده بود و مرتبا سرزنشش می‌کرد.

پسر آقای براون را یادتان هست؟ هروقت برای شکار راهی جنگل می‌شد،به دلمان دلهره می‌انداخت و...تماشای این کارتون را با روایت شیرین «آذر دانشی» به تماشا می‌نشستیم.

کیوآرکد را اسکن کنید